

• گرگ فرای • جاسینتا اهیگن •

تصویرهای متعارض از سیاست جهان

ترجمه علیرضا طیب



فهرست مطالب

۱۳	سخن مترجم
۱۷	قدردانی
۲۱	معرفی نویسندگان
۲۳	۱: تصویرهای متعارض از سیاست جهان: مقدمه (گرگ فرای و جاسینتا اهیگن)
۲۷	«سیاست جهان»؟
۳۱	مفهوم تصویر
۳۳	«تصویرهای متعارض» و عمل سیاسی
۳۵	«تصویرهای متعارض» و نظریهٔ سیاست جهان
۳۹	قدرت، نظم و سیاست میان دولت‌ها
۴۲	جهانی‌شدن و دگردیسی همبستگی
۴۵	چندپارچگی و هویت فرهنگی
۴۷	دانش، قدرت و شمول

بخش نخست: قدرت، نظم و سیاست میان دولت‌ها

۵۵	۲: «فرجام تاریخ»؟ (جیمز ریچاردسون)
----	------------------------------------

- ۵۷ پایان ستیز ایدئولوژیک؟
- ۵۸ برداشت هگلی
- ۶۱ تصویرهای لیبرالی مرتبط
- ۶۸ تحقیر تاریخ
- ۷۴ نتیجه‌گیری
- ۷۵ ۳: «بازگشت به آینده»؟ (جیم جورج)
- ۷۵ مبارزه بر سر مصادره حافظه تاریخی
- ۸۵ مدل وستفالیایی
- ۹۰ استدلال به نفع حداقل خوش‌بینی
- ۱۰۱ ۴: «توازن قدرت»؟ (ریچارد لیتل)
- ۱۰۳ شأن استعاری توازن قدرت
- ۱۰۶ شأن اسطوره‌ای توازن قدرت
- ۱۰۸ توازن قدرت چونان استعاره و اسطوره
- ۱۱۰ از نظام دوقطبی تا «برهه تک‌قطبی»
- ۱۱۵ توهم تک‌قطبی و ظهور نظام چندقطبی
- ۱۲۱ نتیجه‌گیری
- ۱۲۳ ۵: «جامعه بین‌الملل»؟ (پل کیل)
- ۱۲۶ وجوه تصویر
- ۱۳۰ افراد
- ۱۳۲ افسانه‌ای ساخته و پرداخته دانشوران؟
- ۱۳۳ قواعد، رژیم‌ها و منافع مشترک
- ۱۳۹ جامعه بین‌الملل همگون؟
- ۱۴۲ نتیجه‌گیری

بخش دوم: جهانی شدن و دگرگونی همبستگی

- ۱۴۹ ۶: «جهان بدون مرز»؟ (ایان کلارک)

فهرست مطالب ۹

- ۱۵۴ معنا و اهمیت این تصویر
- ۱۵۹ استدلال‌های معارض
- ۱۶۷ نتیجه‌گیری
- ۱۷۱ ۷: «پایان حاکمیت»؟ (جوآن کلر پمبرتون)
- ۱۷۴ شعار جهانی شدن
- ۱۷۷ سرعت و فضا
- ۱۸۱ تمثیل‌های بوم‌شناختی
- ۱۸۳ استعاره‌ها و متافیزیک
- ۱۸۵ از عقلی‌گری تا جهانی شدن
- ۱۸۸ اندیشه‌ورزی درباره حاکمیت
- ۱۹۳ نتیجه‌گیری
- ۱۹۷ ۸: «قرون وسطایی‌گری جدید»؟ (ریچارد فالک)
- ۱۹۷ جست‌وجو
- ۲۰۱ سه گفتمان نوقرون وسطایی
- ۲۱۰ ارزیابی «قرون وسطایی‌گری جدید»
- ۲۱۳ نتیجه‌گیری
- ۲۱۵ ۹: «دوران آینده منطقه‌گرایی»؟ (گرگ فرای)
- ۲۱۹ مبنای منطقی
- ۲۲۱ همبستگی، هویت، کنشگری سیاسی
- ۲۲۷ قدرت نسبی
- ۲۳۲ ارزش‌های متعارض، منافع متعارض
- بخش سوم: چندپارچگی و هویت فرهنگی**
- ۲۴۳ ۱۰: «برخورد تمدن‌ها»؟ (جاسینتا آهیگن)
- ۲۴۵ استعاره
- ۲۴۸ فرض‌های اصلی

- ۲۵۶ نقد
- ۲۶۰ آیا فرهنگ اهمیتی دارد؟
- ۲۶۵ نتایج
- ۲۶۹ ۱۱: «جهان قبیله‌ها»؟ (گوین مونت)
- ۲۷۳ اقتدارگرزی آینده؟
- ۲۷۵ نظم جهانی رو به چندپارچگی؟
- ۲۷۶ دشمنی‌های باستانی
- ۲۷۷ بلایا و همه‌گیری‌های طبیعی
- ۲۷۹ جنگ وحشیانه
- ۲۸۳ گفتمان قبیله‌گرایی در اندیشه روابط بین‌الملل
- ۲۸۵ مسائل هنجاری و سیاست‌گذارانه جهان چندفرهنگی
- ۲۸۸ وحشیگری داخلی
- ۲۹۱ نتیجه‌گیری
- ۲۹۳ ۱۲: «اسلام و غرب»؟ (امین سایکل)
- ۳۰۱ به واقعیت درآوردن تصویر
- ۳۱۲ فراسوی تصویر ستیز؟

بخش چهارم: دانش، قدرت و شمول

- ۳۱۹ ۱۳: «سیاره به خطر افتاده»؟ (جوہنا ساترلند)
- ۳۲۲ هشدارها، سناریوهای شوم و ناامنی زیست‌محیطی
- ۳۲۷ پیامدهای این تصویر برای اداره‌گری جهانی
- ۳۳۳ متکثرسازی اداره‌گری و تصویرهای امیدبخش از امنیت همیارانه
- ۳۴۱ تصویرهای «توسعه پایدار»
- ۳۴۴ تصویرهای امپریالیسم بوم‌شناختی؟
- ۳۴۶ گوناگون‌ترشدن تصویرها
- ۳۴۹ نتیجه‌گیری

۳۵۱ «سلسله‌مراتب جنسیت‌زده جهانی»؟ (اسپایک پیترسون)
۳۵۵ بستر پیدایش: روابط بین‌الملل زن‌باورانه، چرا اکنون؟
۳۵۶ معرفت‌شناسی: چه اهمیتی دارد؟
۳۵۹ گوناگونی و پیچیدگی: پیوستار زن‌باوری‌ها و تصویرها
۳۶۹ نقاط قوت و ضعف روابط بین‌الملل زن‌باورانه
۳۷۶ نتیجه‌گیری
۳۷۹ «جهان پسااستعماری»؟ (سانجای بیت)
۳۸۱ پسااستعمارگرایی
۳۸۶ ملت و آزادی
۳۹۲ عام و خاص
۳۹۸ نتیجه‌گیری
۴۰۱ «پایان نوظرزی»؟ (رولاند بلایکر)
۴۰۵ نو و پسانو چونان تصویرهایی استعاری از سیاست جهان
۴۰۸ سیاست استعاره
۴۱۰ استعاره‌های سیاست
۴۱۳ بازنمایی تروریسم بین‌الملل: کاربردهای مشروع و نامشروع خشونت
۴۱۸ بازنمایی تروریسم بین‌الملل: تمایز بنیادگرایان / افراطیون
۴۲۱ نتیجه‌گیری: به‌سوی اخلاق تفاوت
بخش پنجم: فصل پایانی	
۴۲۹ آینه‌د سیاست جهان (جاسینتا آهیگن و گرگ فرای)
۴۳۳ تصویرهای متعارض و بنیان‌های سیاست جهان
۴۵۱ تصویرپردازان
۴۵۷ یادداشت‌ها
۴۷۳ کتاب‌شناسی
۵۱۳ نمایه

سخن مترجم

کتابی که اکنون ترجمه فارسی آن را در دست دارید نخستین بار چندسال پیش از این در یکی از نمایندگی‌های فروش کتاب‌های خارجی در ایران نظر مرا به خود جلب کرد. پس از مرور فهرست مطالب کتاب و مطالعه بخش‌های کوچکی از مقدمه آن، بی‌درنگ رویکرد ویراستاران و نویسندگان کتاب را بدیع، و عرضه ترجمه آن را به استادان، محققان و دانشجویان ایرانی بسیار سودمند یافتم. متأسفانه به دلایلی که اکنون به یاد ندارم کار ترجمه آن در همان زمان آغاز نشد تا این‌که پس از مدتی، در گفت‌وگو با دوست دوران دانشجویی، آقای دکتر علیرضا محمدخانی، سخن از این کتاب ارزشمند و لزوم ترجمه آن به میان آمد و ترجمه کتاب را در دستور کارم قرار دادم. اکنون که به لطف خداوند بزرگ ترجمه فارسی این اثر به پایان رسیده است می‌بینم که در قضاوت خویش به خطا نرفته بودم و این ادعایی است که خوانندگان عزیز پس از مطالعه تک‌تک فصل‌های کتاب، خود بر آن صحه خواهند گذاشت.

کتاب *تصویرهای متعارض از سیاست جهان* با هر کتاب دیگری که تاکنون در زمینه روابط بین‌الملل و سیاست جهان دیده یا خوانده‌اید تفاوتی اساسی دارد. برخلاف سایر آثار منتشرشده در این حوزه که بحث را حول رویکردهای اصلی به

روابط بین‌الملل سازمان می‌دهند یا با قبول یکی از آن رویکردها سعی در پرداختن نظریه‌ای جامع دربارهٔ سیاست جهان به عمل می‌آورند کتاب حاضر به سیاست جهان از منظر تصویرهای رقیبی نگریسته است که در متون تخصصی رشتهٔ روابط بین‌الملل یا از سوی دست‌اندرکاران سیاست بین‌الملل ارائه شده است، چه تصویرهای پرسابقه‌تری مانند توازن قدرت، چه تصویرهای میان‌سالی چون جامعهٔ بین‌الملل و چه تصویرهای نوپاتری مانند فرجام تاریخ و برخورد تمدن‌ها. تصویرهای بررسی شده در کتاب حاضر معرف‌گزینه‌های مشخص و برجسته‌ای هستند که در آغاز هزارهٔ جدید میلادی برای شناخت سیاست جهان پیش روی ماست. آن‌ها موضوع‌گیری‌های متفاوتی را نشان می‌دهند که دربارهٔ واحدها و نیروهای مهم در سیاست جهان، مبنای اخلاقی نظم جهانی، چگونگی نگرش به امنیت و... وجود دارد. به گفتهٔ ویراستاران کتاب، محور قرار دادن تصویرهای متعارض از سیاست جهان، ترفندی به قصد علاقه‌مند ساختن دانشجویانی بوده است که جذابیتی در روش‌های رایج بررسی و تدریس روابط بین‌الملل نمی‌دیدند. ویژگی برجستهٔ کتاب حاضر این است که تنها به معرفی تصویرهای ارائه شده اکتفا نمی‌کند بلکه اساساً برخوردی انتقادی و شکاکانه با تمامی آن‌ها دارد و از همین روست که در عنوان تمامی فصل‌ها پس از نام‌بردن تصویر مورد بحث در آن فصل، علامت پرسش گذاشته شده است. نویسندهٔ هر فصل به بررسی انتقادی فرض‌های نظری بنیادی این تصویرهای برجسته پرداخته است تا ما را قادر سازد به شکلی آگاهانه‌تر دربارهٔ موضوع‌گیری‌های مطرح دربارهٔ شکل و امکانات سیاست جهان در آستانهٔ سدهٔ بیست و یکم داوری کنیم. از آن‌جا که این تصویرها چنان به بخش بی‌چون‌وچرای سیاست عمومی و گفتمان علمی مبدل شده‌اند که دیگر کسی آن‌ها را به چشم تصویرهای فرضی از واقعیت نمی‌بیند بلکه آن‌ها را واقعیت‌هایی مسلم دربارهٔ نظام بین‌الملل می‌دانند برخورد انتقادی با این تصویرها نوعی توهم‌زدایی در حوزهٔ دانش و عمل روابط بین‌الملل نیز هست و این خود، ارزش کتاب حاضر را دوچندان می‌سازد.

امید مترجم آن است که در بیان نظرات نویسندگان کتاب به زبان فارسی دست‌کم

توفیق نسبی یافته باشد ولی خاطر نشان می‌سازد که این اثر نه در زبان اصلی و نه در ترجمه فارسی، کتابی نیست که با یکبار خواندن بتوان به عمق واقعی مطالب مطرح شده در آن دست یافت؛ همان‌گونه که ترجمه آن نیز با بهره‌گیری از هم‌اندیشی‌های گاه و بیگاه با دوستان صاحب‌نظری چون سرکار خانم دکتر حمیرا مشیرزاده و آقای دکتر وحید بزرگی دقیق‌تر و غنی‌تر شده است. سعی مترجم آن بوده است که ترجمه فارسی کتاب حتی الامکان خالی از ایراد و هرچه قابل فهم‌تر باشد. با این حال از خوانندگانی که کاستی یا ضعفی در آن یافتند سپاسگزار خواهد شد اگر نقد و نظر دلسوزانه خود را به هر شکل و وسیله‌ای که مناسب بدانند از جمله با شماره تلفن ۰۹۳۵۲۱۵۱۹۲۲ یا نشانی پست الکترونیک kamrantayyeb@Gmail.com با مترجم در میان بگذارند تا در چاپ‌های بعدی، کاستی‌های احتمالی آن به حداقل برسد.

علیرضا طیب

قدردانی

رویکردی را که در کتاب حاضر برای بررسی سیاست جهان در پیش نهاده‌ایم نخستین بار چونان ترفندی برای علاقه‌مند ساختن دانشجویان به نظریه روابط بین‌الملل در انداختیم. این رویکرد تلاشی بود برای نشان دادن موضوعیت و اهمیت نظریه هنگام دست‌زدن به داوری‌های فکری، اخلاقی و سیاسی درباره تصویب‌های اصلی پرداخته شده از سیاست جهان همچون «جهانی شدن»، «چندپارچگی»، «فرجام تاریخ»، «اقتدارگریزی آینده» یا «برخورد تمدن‌ها» که دانشجویان درباره‌شان چیزهایی شنیده بودند.

پیش از همه باید سپاسگزار آن دسته از دانشجویان درس نظریه‌های روابط بین‌الملل در دوره کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه ملی استرالیا باشیم که روش جافتاده معرفتی دیدگاه‌های مختلف درباره نظریه روابط بین‌الملل را نسبتاً خسته‌کننده و بی‌ارتباط با نگرانی‌ها و علایقی می‌دانستند که خودشان در جهان واقع داشتند و ما را به این دردسر انداختند. سپس باید قدردان دانشجویانی باشیم که در سال‌های بعد رویکرد تازه ما را محک زدند و بی‌آن‌که نام و نشانی از خود به جای بگذارند

به توسعه آن کمک کردند. از همه آنان صمیمانه سپاسگزاریم. این اندیشه در کارگاه علمی *استعاره‌های زمانه ما*^۱ که در آوریل ۱۹۹۹ در دانشگاه ملی استرالیا برگزار گردید پیش‌تر برده شد. بسیاری از نویسندگان کتاب حاضر در این کارگاه حضور داشتند و با دیدی انتقادی تلاش ما را بررسی کردند. از لورین الیوت، یان پیندی پتمن، کریس رُوس اسمیت، جان ریون هیل، وین راسل و پیتر وِن نِس که در جریان پیشرفت کار ما نقش منتقدانی بسیار تأثیرگذار را بازی کردند و ایمی چن که این کارگاه علمی را ترتیب داده بود - فوق‌العاده سپاسگزاریم. همچنین مایلیم از گروه روابط بین‌الملل دانشگاه ملی استرالیا به دلیل حمایت مالی از آن کارگاه، و به‌ویژه از جان ریون هیل رئیس این گروه برای دلگرمی‌هایی که در تمامی مراحل کار به ما می‌داد سپاسگزاری کنیم.

از این‌ها گذشته قدردان پشتیبانی‌های مرکز بررسی‌های بین‌المللی دانشگاه کالیفرنیا جنوبی هم هستیم که جاسینتا اُهیگن در فاصله ۲۰۰۰-۱۹۹۹ محقق مدعو آن مرکز بود.

کار دشواری را هم که رابین واژد از گروه روابط بین‌الملل دانشگاه ملی استرالیا در زمینه نمونه‌خوانی و نمایه‌سازی این اثر انجام داد ارج می‌گذاریم. همچنین مایلیم از استیون کندی ویراستار نشر، به دلیل شکیبایی و کمک‌هایش و نامه‌های الکترونیکی که گهگاه برای واداشتن ما به پیگیری کار ارسال می‌کرد سپاسگزاری کنیم.

سرانجام مایلیم از آنی بارتلت، نیکی بارتلت فرای، و گری فرونتین به دلیل صبر و حمایت باورنکردنی که در جریان تهیه این کتاب از خود نشان دادند تشکر کنیم.

می‌خواهیم این کتاب را به پروفیسور جیم ریچاردسون که به‌تازگی پس از یک عمر خدمت در مقام آموزگار و پژوهشگر روابط بین‌الملل از گروه روابط

بین‌الملل دانشگاه ملی استرالیا بازنشسته شده است تقدیم کنیم. جیم برکار بسیاری از نویسندگان کتاب حاضر نظارت داشته است و دیگران نیز از دوستان و همکاران وی بوده‌اند. وی تحت نظر فیلسوف استرالیایی جان اندرسون از دانشگاه سیدنی و سپس از آکسفورد فارغ‌التحصیل شد و مدتی با دوست خودش هدلی بول در کمیته کنترل تسلیحات انگلستان به خدمت پرداخت و پس از آن در مقام دانشیار علوم سیاسی به دانشگاه سیدنی بازگشت. جیم ریچاردسون در سال ۱۹۷۵ در مقام رئیس گروه علوم سیاسی به دانشگاه ملی استرالیا رفت و سپس با مقام استادی به عضویت گروه روابط بین‌الملل آن دانشگاه و بعدها به ریاست این گروه رسید.

جیم ریچاردسون تأثیر بسزایی بر بررسی روابط بین‌الملل در استرالیا گذاشته است. نوشته‌های او تمامی عرصه‌های مبحث روابط بین‌الملل از تحلیل سیاست خارجی، اخلاق، نظریه روابط بین‌الملل، بررسی‌های توسعه و دیپلماسی بحران گرفته تا سیاست خارجی استرالیا، بررسی‌های امنیت، مسائل هسته‌ای، و تاریخ روابط بین‌الملل را دربرمی‌گیرد. نشر روشن و بی‌پیرایه‌ای که سرشار از بینش و نقادی است همواره منبع الهام دیگران است. او در نسل‌های متمادی از محققان، روحیه تحقیق انتقادی و آزاداندیشی راستین را به ودیعه نهاده است. برای او دوران بازنشستگی خوشی را در آلمان آرزو داریم.

گرگ فرای

جاسینتا اُهیگن

معرفی نویسندگان

رولاند بلایکر (Roland Bleiker): مدرس ارشد بررسی‌های صلح و ستیز در گروه حکومت دانشگاه کوئینزلند.

ایان کلارک (Ian Clark): استاد سیاست بین‌الملل دانشگاه ولز در آبرستویت.
ریچارد فالک (Richard Falk): استاد کرسی آلبرت میلبنک در حقوق و رویه بین‌المللی در دانشگاه پرینستون.

گرگ فرای (Greg Fry): عضو و مدیر برنامه بررسی‌های هدلی بول در گروه روابط بین‌الملل دانشگاه ملی استرالیا.

جیم جورج (Jim George): مدرس ارشد سیاست جهان در گروه علوم سیاسی دانشگاه ملی استرالیا.

پُل کیل (Paul Keal): مدرس ارشد دانشکده سیاست در کالج دانشگاهی دانشگاه نیوساوت ولز در آکادمی نیروی دفاعی استرالیا.

ریچارد لیتل (Richard Little): استاد سیاست بین‌الملل دانشگاه بریستول.
گَوین مونت (Gavin Mount): محقق بورسیه در گروه روابط بین‌الملل دانشگاه ملی استرالیا.

جاسینتا اُهیگن (Jacinta O'Hagan): مدرس روابط بین‌الملل در گروه حکومت دانشگاه کوئینزلند.

جوآن کلاِر پمبرتون (Jo-Anne Claire Pemberton): مدرس روابط بین‌الملل مدرسه علوم سیاسی دانشگاه نیوساوت ولز.

اسپایک پیترسون (V. Spike Peterson): دانشیار علوم سیاسی دانشگاه آریزونا.
جیم ریچاردسون (Jim Richardson): استاد تازه بازنشسته روابط بین‌الملل از گروه روابط بین‌الملل دانشگاه ملی استرالیا.

امین سایکل (Amin Saikal): مدیر مرکز بررسی‌های عربی و اسلامی (خاورمیانه و آسیای مرکزی) و استاد علوم سیاسی دانشگاه ملی استرالیا.
سانجای سِت (Sanjay Seth): مدرس ارشد مدرسه جامعه‌شناسی، سیاست و انسان‌شناسی در دانشگاه لاتروب.

جوهِنا ساترلند (Johanna Sutherland): محقق بورسیه در گروه روابط بین‌الملل دانشگاه ملی استرالیا.

تصویرهای متعارض از سیاست جهان: مقدمه

گرگ فرای و جاسینتا اهیگن

در ۱۹۸۹ درست پیش از فروافتادن دیوار برلین، فرانسیس فوکویاما مقاله معروف خودش «فرجام تاریخ؟» را به رشته تحریر درآورد (Fukuyama 1989). تصویر برجسته‌ای که او از جهان تازه‌ای ترسیم کرد و در آن، کشمکش ایدئولوژیک رو به پایان و صلح ابدی میان مردم‌سالاری‌های لیبرال در افق نمایان بود فتح باب بحثی درباره ویژگی‌های اساسی جهان پس از جنگ سرد بود که در سراسر دهه ۱۹۹۰ ادامه یافت و هنوز هم که به اندیشیدن درباره سرشت سیاست جهان در آغاز سده بیست‌ویکم می‌پردازیم زنده است. این بحث درباره چیزی است که جان لوییس گدیس (Gaddis 1999) به‌حق آن را «زمین‌شناسی» نظام بین‌المللی^۱ خوانده است: توجه به «تغییرات ساختمانی»^۲ و «بروز زمین‌لرزه‌ها»^۳ ناشی از فرایندهای بنیادی تاریخ به‌جای توجه به تغییرات سطحی ژئوپلیتیکی. این تکیه روی فرایندهای بنیادی، از آشخور برداشت بسیاری از مفسرانی سیراب می‌شود که معتقدند

1. geology of the international system 2. tectonic shifts
3. seismic eruptions

تحولات دهه پایانی سده بیستم، دوران ساز و نشانه نوعی دگرذیسی است که با گذار از نظام قرون وسطی به نظام دولت‌های نو در میانه سده هفدهم شباهت دارد.

اما این مفسران، تفسیرهای بسیار متفاوتی از سرشت این دگرذیسی به دست داده و ویژگی‌های متباینی برای نظم بالنده جهانی برشمرده‌اند. پیروزمایی لیبرالی^۱ تصویر «فرجام تاریخ» فوکویاما و دیگرانی که قائل به «منسوخ شدن جنگ» (Mueller 1989) و چشم‌اندازهای «صلح مردم سالارانه» (Russett 1993) هستند تفاوت بارزی با تصویر «برخورد تمدن‌ها»ی ساموئل هانتینگتون (Huntington 1993a) و تصویرهایی از جهان دارد که قهرمانان اصلی‌اش «غرب و بقیه جهان» (Mahbubani 1992, 1993) یا «اسلام و غرب» هستند. دسته‌ای از دیدگاه‌ها که تأکیدشان بر «پایان حاکمیت» (Camilleri and Falk 1992) و حرکت به سمت «جهانی بدون مرز» (Ohmae 1990) زیر فشار نیروهای «جهانی شدن» (Friedman 1999) است سومین قرائت بسیار پرنفوذ را از نیروهای بنیادی در کار به دست می‌دهند. این در حالی است که گروه چهارم بر روند چندپارچگی و فروشکستن دولت‌ها تأکید دارند و ما را به سمت «جهان قبیله‌ها» و حتی به سمت «اقتدارگریزی آینده» (Kaplan 1994; Horsman and Marshall 1994) یا «غوغا و آشوب» (Moynihan 1993) می‌برند. سرانجام، کسانی هم هستند که مانند والت روستو (Rostow 1990) با اندیشه «دوران آینده منطقه‌گرایی» دگرذیسی مورد بحث را حرکتی از جهان دولت‌ها به جهان مناطق یا به جهان «اداره‌گری جهانی» می‌دانند که در آن «نوعی قرون وسطایی‌گری جدید» تشکیل یافته از صلاحیت‌ها و هویت‌های همپوش در دل ساختاری مردم‌سالار جریان دارد (Held 1995; Linklater 1998).

از این‌ها گذشته کسانی هم هستند که فرض وقوع دگرذیسی بنیادی را نمی‌پذیرند و به جای آن، قائل به «روال عادی»^۲ سیاست جهان در دوران

1. liberal triumphalism

2. business as usual

معاصرند. این مفسران گرچه تصدیق می‌کنند که در این روند سیاسی، بازیکنان تغییر بارزی یافته‌اند ولی مدعی‌اند که بازی اساساً همانی است که بود. این جهان که نمود برجسته آن را می‌توان در تصویر «بازگشت به آینده» جان میرشایمر (Mearsheimer 1990a) یافت جهانی است که هنوز اسیر همان منطق سیاسی است که در ۱۶۴۸ با صلح وستفالی برقرار شد. جهان اینان جهان دولت‌هاست که جنگ و ستیز در آن اموری امکان‌پذیر و توازن قدرت همچنان یگانه مبنای قابل اعتماد برای نظم است. در چنین نظامی دولت تنها شکل همبستگی و یگانه کانون مهم حقوق و مسئولیت‌هاست. ولی در این اردوگاه هم اختلاف‌نظرهایی وجود دارد: برخی معتقدند که ما در یک «برهه تک‌قطبی» طولانی (Krauthammer 1990/91) و حتی «دومین سده امریکایی» به سر می‌بریم که در آن، چیرگی بی‌خطر ایالات متحده همچنان عامل اصلی تعیین‌کننده نظم جهان است و برخی دیگر قائل به عملکرد ناگزیر «توازن قدرت» هستند که از طریق رفتار توازن‌جویانه قدرت‌های بزرگ بالنده، نظمی چندقطبی پدید خواهد آورد (Waltz 1993).

فرانسیس فوکویاما حال و هوای این بحث را نه تنها از حیث تکیه‌اش بر پرسش‌های درجه اولی که به نیروهای زمین‌شناختی شالوده‌ساز سیاست جهان بازمی‌گردند بلکه همچنین از لحاظ نحوه پیشرفت بحث تعیین کرد. دیدگاه فوکویاما در قالب تصویر برانگیزنده فشرده‌ای ارائه شد. همان‌گونه که دیدیم به دنبال «فرجام تاریخ» یک رشته تصویرهای گیرا مطرح شد که هر یک از آن‌ها می‌خواست به قول توماس فریدمن (Friedman 1999: xviii) «یک حقیقت بزرگ» را درباره نظم جهانی متحولی بازگوید که تحولات برجسته دهه ۱۹۹۰ آغازگر آن بود. در کنار این تصویرهای فشرده و برجسته جدید، تصویرهای ظریف‌تری از سیاست جهان وجود دارد که از دوران پیشین به دست ما رسیده و در این بحث نمود بارزی داشته است. این تصویرها چنان به بخش بی‌چون و چرای سیاست عمومی و گفتمان علمی مبدل شده‌اند که دیگر کسی آن‌ها را به چشم تصویرهای فرضی از واقعیت نمی‌بیند بلکه آن‌ها

را واقعیت‌هایی درباره نظام بین‌الملل می‌شناسند. منظورمان در این جا تصویرهایی چون «همبود بین‌المللی»، «جامعه بین‌الملل»، «توازن قدرت» و «جهانی شدن» است.

این تصویرها با هم نماینده گزینه‌های بارزی هستند که در آغاز سده بیست و یکم برای شناخت سیاست جهان پیش رو داریم. هریک از این تصویرها نماینده موضع‌گیری متفاوتی درباره واحدها و نیروهای مهم در سیاست جهان، امکانات صلح و جنگ، مبنای اخلاقی نظم جهانی، چگونگی نگرش به «امنیت» و این مسئله است که آیا باید جهان را یک یا دو یا چند پیکره سیاسی دانست. از این گذشته، آن‌ها نمایانگر دیدگاهی در این باره هستند که آیا نظام بین‌الملل رو به چندپارچگی می‌رود یا در حال یکپارچه‌تر شدن است و برای هریک از این دو روند چه معنایی باید قائل شد و کانون همبستگی، حقوق و مسئولیت‌ها در جامعه سیاسی جهانی در کجاست. هریک از آن‌ها شالوده‌های هنجاری متفاوتی دارد و پرسش‌های اخلاقی متفاوتی را پیش می‌کشد. بنابراین آن‌ها از برداشت‌های بسیار متفاوتی حکایت، و نتایج بسیار متفاوتی برای سیاست‌گذاری دارند.

هدف کتاب حاضر بررسی انتقادی فرض‌های نظری بنیادی این تصویرهای برجسته است تا بدین ترتیب بتوانیم دست به داوری‌های نظری، سیاسی و اخلاقی آگاهانه‌تری درباره موضع‌گیری‌های مطرح درباره شکل و امکانات سیاست جهان در آستانه سده بیست و یکم بزنیم. این بررسی از همان جایی آغاز می‌شود که «ذهن عمومی»^۱ از آن آغاز می‌گردد یعنی از تصویرهای برجسته‌ای که در بحث‌های علمی و محافل سیاست‌گذاری و نیز در تفسیرهای رسانه‌ها نمود بارزی دارند. در این مسیر با نگاه به ورای این تصویرها به بررسی عینک‌هایی نظری می‌پردازیم که این تصویرها از پشت عدسی آن‌ها ساخته و پرداخته شده است. از این گذشته به کسانی هم که این

1. the public mind

عینک‌ها را به چشم زده‌اند و گرایش آنان به آفرینش این تصویرهای خاص نیز علاقه‌مندیم. به‌ویژه می‌خواهیم بدانیم پایبندی‌های هنجاری این تصویرسازان و منافعی که آنان نمایندگی‌شان را برعهده دارند چیست. به همین دلیل کتاب حاضر حول این تصویرها سازمان یافته است و هر فصل به بررسی انتقادی یک تصویر خاص اختصاص دارد.

در این فصل مقدماتی، نخست منظور خودمان را از «سیاست جهان» روشن می‌سازیم و توضیح می‌دهیم که چرا آن را کانون تمرکز مناسبی برای نظریه روابط بین‌الملل می‌دانیم. از این گذشته، برخی پرسش‌های بنیادی را مطرح می‌سازیم که هدایتگر بررسی حاضر درباره سیاست جهان است. دوم، منظور خودمان را از «تصویر» روشن می‌سازیم و توضیح می‌دهیم که چگونه آن را از مفاهیم خویشاوندی چون «استعاره» و «نظریه» متمایز می‌دانیم. سوم، فرض اصلی رویکردی را مطرح می‌سازیم که برای پاسخگویی به این پرسش‌ها در پیش گرفته‌ایم یعنی این فرض که تصویرهای مطرح شده اهمیت سیاسی دارند و بنابراین باید به یک اندازه بخشی از عمل سیاسی و نیز شناخت آن تلقی شوند. چهارم، درباره کمکی که رویکرد «تصویرهای متعارض» به نظریه سیاست جهان (یا به زبان رایج‌تر، به نظریه روابط بین‌الملل) می‌کند ادعایی را مطرح می‌سازیم. سرانجام، تصویرهایی را که برای بررسی و نقد در این کتاب برگزیده‌ایم معرفی می‌کنیم و علت انتخاب آن‌ها را توضیح می‌دهیم.

«سیاست جهان»؟

«سیاست جهان»^۱، یعنی کانون بررسی حاضر، با این‌که در دهه ۱۹۹۰ هرچه بیش‌تر مورد پذیرش قرار گرفته است هنوز مفهوم و عنوانی مورد مناقشه است. در دوران جنگ سرد در بررسی‌های علمی روابط بین‌الملل این گرایش وجود داشت که هرکس را که از «سیاست جهان»، «نظم جهانی»^۲

(Falk 1987)، «جامعه جهانی»^۱ (Burton 1972) یا «نظام جهان»^۲ (Wallerstein 1974) سخن می‌گفت چونان فردی آرمان‌گرا یا مارکسیست کنار می‌گذاشتند. از دید پژوهندگانی که به جریان غالب رشته روابط بین‌الملل تعلق داشتند یگانه‌کانون راستین بررسی، روابط میان دولت‌ها یا نظم بین‌المللی^۳ بود (۱). اما از پایان جنگ سرد، برخی تأثیرات توأم با هم «سیاست جهان» یا «سیاست جهانی»^۴ را به‌کانون بررسی قابل‌قبول‌تری مبدل ساخته است. در واقع، اکنون دو اصطلاح «سیاست بین‌الملل»^۵ و «سیاست جهان» را اغلب مترادف با هم به کار می‌برند. نخست، همان‌گونه که دیدیم پایان جنگ سرد و تحولات برجسته‌ای که متعاقب آن در دهه ۱۹۹۰ رخ داد باعث ایجاد علاقه‌مندی به نیروهای «زمین‌شناختی» شالوده‌ساز نظام بین‌الملل و پرسش‌های بلندمدت شد. علاقه‌مندی به ماهیت دگرگونی، و ابهام درباره بنیادهای نظام بین‌الملل که موجب مطرح شدن این‌کانون بررسی جدید شده لاجرم جریان اصلی اندیشه روابط بین‌الملل را فراتر از تکیه بر دولت‌محوری برده یا دست‌کم این قبیل اندیشمندان را از ساخت و پرداخت تاریخی و اجتماعی منافع دولت که خود بستگی به اندیشه‌ها و روندهای فرامرزی دارد آگاه‌تر ساخته است. در پایان جنگ سرد تأملات رهبران سیاسی، مفسران رسانه‌ها و دانشگاهیان در مورد سرشت «نظم نو جهانی»^۶ باعث پذیرش راحت‌تر اندیشه «سیاست جهان» چونان مفهومی دامنه‌دارتر از مسائل سیاسی میان دولت‌ها شد. اعتقاد فزاینده به رو به کاهش بودن نقش دولت در دهه ۱۹۹۰ نیز در پذیرش مفهوم سیاست جهان بی‌اثر نبود. تحولات جدید در عرصه اداره‌گری جهانی^۷، نقش فزاینده بازارهای مالی جهانی، گسترش چشمگیر بُرد جهانی سرمایه‌داری، و توسعه ارتباطات دوربرد جهانی همگی به این نگرش کمک

1. world society

2. world system

3. international order

4. global politics

5. international politics

6. new world order

7. global governance

کرد. این برداشت که در سازمان همبستگی سیاسی، تغییری اساسی در حال وقوع است نه تنها نظریه پردازان روابط بین الملل بلکه حقوق دانان بین المللی، و نظریه پردازان سیاسی و اجتماعی را واداشته است تا توجه خود را به نظام سیاسی جهانی پیچیده تری معطوف سازند که هنوز دولت ها بازیگران اصلی اش هستند ولی بازیگران دیگری نیز در آن حضور دارند. وانگهی، افزایش علاقه مندی به مسائل هنجاری و اخلاقی در بررسی امور بین الملل در دهه ۱۹۹۰ به ناگزیر منجر به فراخ تر شدن کانون بررسی ها شده است. این تغییر، نمایانگر بازگشت به کانون اندیشه ورزی درباره روابط بین الملل در سده هفدهم است یعنی همان زمان که مارکسیست ها، لیبرال ها، جهان میهنان و هواداران واقع نگری سیاسی^۱ درباره سرشت نظم جهانی موجود و مطلوب به بحث می پرداختند (Knutsen 1992; Wight 1991).

در فصل های بعدی کتاب حاضر، با تأمل در این بافت گسترده، طیف فراخ تری از واحدها و بازیگران از جمله شرکت های چندملیتی، سازمان های غیردولتی، «همبود بین المللی»، دلالتان بازار مالی، تمدن ها، ملت ها، گروه های قومی و قبایل، مناطق، نهادهای جهانی، دانشمندان، شبکه های رسانه ها و رژیم ها را مشخص ساخته ایم. از این گذشته، توجه قطعی تری به نیروهای تاریخی بزرگی - فناوری، گسترش مردم سالاری، نوگرایی، هویت تمدنی، جهانی شدن، آگاهی، فضای سبیرنتیکی، اندیشه های بزرگ - کرده ایم که اندیشه روابط بین الملل را فراتر از شناخت تنگ نظرانه نظم جهانی با تکیه بر مسائل سیاسی میان دولت ها می برند.

پرسش هایی هم که مایلیم خوانندگان در جریان مطالعه کتاب حاضر در خاطر داشته باشند و در فصل پایانی به آن ها بازخواهیم گشت نمایانگر این برداشت دامنه دارتر درباره روابط بین الملل است.

پرسش نخست به سرشت دگرگونی در سیاست جهان بازمی گردد. آیا ما

شاهد دگرذیسی جامعه سیاسی جهانی هستیم یا صرفاً تغییری سطحی در حال وقوع است؟ و چه نیرویی این تغییر را پیش می‌برد؟ دوم، درباره چارچوب فراخ‌تر نظم جهانی چه تصویری باید داشته باشیم؟ از لحاظ سیاسی، «آیا باید قائل به وجود یک جهان باشیم یا دو جهان یا چند جهان؟» در گذشته نزدیک وقتی تصور وجود دو جهان (که همزمان به صورت جهان شرق-جهان غرب و شکاف شمال-جنوب نمود می‌یافت) یا جهان‌های «اول»، «دوم»، «سوم» و «چهارم» رایج بود این مسئله برای عمل سیاسی اهمیت زیادی داشت. این‌گونه بازنمودها در چارچوب‌های فعلی جامعه سیاسی جهانی چه نتایج سیاسی و اخلاقی دارند؟ پاسخ سایر پرسش‌های سیاسی و اخلاقی - چه برداشتی درباره دامنۀ عدالت، نابرابری و صلح مردم‌سالارانه وجود دارد و چه تصویری درباره سلسله‌مراتب، شمول و تفاوت در این جامعه سیاسی جهانی وجود دارد - در گرو پاسخگویی به پرسش بالاست.

پرسش سوم به کانون همبستگی سیاسی، هویت و کنشگری در سیاست جهان مربوط می‌شود. آیا این‌ها هنوز هم در دولت متمرکز است یا این‌که در حال گذار از حاکمیت دولت و ارتقا به وفاداری‌های منطقه‌ای یا جهانی یا فروافتادن به دامن هویت‌های قومی یا ملی هستیم؟ آیا یک شکل از هویت دارد جای شکل‌های دیگر را می‌گیرد یا این‌که در جهان اقتدارهای همپوش، همه این هویت‌ها در انسان جمع است؟

پرسش چهارم حول سرچشمه و سرشت قدرت در جامعه جهانی معاصر دور می‌زند. آیا قدرت در حوزه ژئوپلیتیکی متمرکز است یا در حوزه ژئواکونومیکی یا در حوزه آگاهی و دانش؟ آیا قدرت با ساختارهای جهانی - اعم از نظامی، اقتصادی یا ایدئولوژیک - عجین است یا در کنشگری پیش‌بینی‌ناپذیر واحدهای بی‌شمار باید سراغ آن را گرفت؟ آیا سلسله‌مراتب ثابتی از قدرت وجود دارد؟

سرانجام، آیا جهان روند چندپارچگی را از سر می‌گذرانند یا به سوی یکپارچگی می‌رود، و برای این روندها چه معنایی باید قائل شد؟